

گزارشی از افتتاح کتابخانه روستای قلعه رش شهرستان سردشت

دومین محصول فعالیت انجمن روناکی (کمیته کتابخانه های انجمن ایزیرتو) در به بارنشاندن سلسله کتابخانه های روستایی

کتابخانه روستای قلعه رش به همت اعضای انجمن روناکی (کمیته کتابخانه های انجمن دوستداران یادگارهای تاریخی ایزیرتو) و با همکاری انجمن حامی (تهران)، دهیاری و شورای اسلامی روستا و جمعی از فعالان مدنی و حمایت مالی تني چند از خیرین و معتمدین شهرستان سردشت، روز پنج شنبه مورخه ۱۳۸۸/۲/۳۱ افتتاح شد.

پس از افتتاح کتابخانه روستای ناچیت در ۵ کیلومتری شهر بوکان، کمیته کتابخانه های انجمن ایزیرتو که قبلاً گروه سواره خوانده می شد و اکنون نام انجمن روناکی را برای خود برگزیده است، تاسیس کتابخانه ای در روستای مرزی قلعه رش واقع در ۲۰ کیلومتری شهر سردشت و ۱۵ کیلومتری مرز ایران و عراق را در برنامه کاری خود قرار داد. تاسیس این کتابخانه که برنامه ای آن از تیرماه ۱۳۸۷ به تصویب انجمن روناکی رسیده و بازدید مقدماتی آن به انجام رسیده بود پس از ۸ ماه تلاش بی وقفه اعضای انجمن روناکی انجمن ایزیرتو و همکاری دیگر انجمن ها (همچون انجمن



حامی از شهر تهران)، دهیاری، امام جماعت و جوانان روستای قلعه رش، فعالان مدنی و فرهنگیان شهر سردشت، حمایت مالی خیرین و معتمدین شهر سردشت با ۲۱۰۰ جلد کتاب در بخشی از ساختمان مسجد این روستا در فضایی به وسعت ۷۰ متر مربع افتتاح شد.

برنامه با حضور علاقمندان زیادی در روستای قلعه رش روز پنج شنبه ۱۳۸۸/۲/۳۱ راس ساعت ۳ در حالی آغاز شد که جمع زیادی از جوانان روستا با لباس های زیبای کردی و بازوبندهایی که مسئولیت آنان را در برنامه نشان می داد در کنار مسیر تردد مهمانان به عنوان راهنما ایستاده بودند و با در دست داشتن پلاکاردهایی به مهمانان و مدعوین

خوش آمد می گفتند. مسیر طولانی روستای چند صد خانواری قلعه رش که دارای جمعیتی بیش از ۱۳۰۰ نفر است با راهنمایان دختر و پسر و بازوبندهای متحد الشکل شان علامت گذاری شده بود.

نکته ای که توجه همهی شرکت کنندگان را به خود جلب کرده بود مشارکت عموم مردم روستا از پیر و جوان، کوچک و بزرگ، زن و مرد در این برنامه بود. نگاه های تحسین آمیز و پر از مهر مردم روستای قلعه رش مبحثی بود که در مسیر بازگشت به تهران، تا پاسی از شب، ذهن میهمانان برنامه را به خود مشغول کرده بود و همه دل شان می خواست در تحلیل های خود از آن سخن بگویند. گویی مردم این روستا، ضرورت وجود کتابخانه در روستایشان را به قدری درک کرده بودند که همه و همه، حتی آنان که سواد خواندن و در واقع امکان استفاده از این عنصر جدید بافت روستایی شان را نداشتند با جان و دل در هر چه بهتر برگزار کردن افتتاحیه کتابخانه می کوشیدند و نگاه های آنان خود گویای همه چیز بود ... آری، از نگاه آنان میشد همه چیز را فهمید.

محیط برنامه در فضای باز، در لای درختان بلوط و طبیعت سرسبز زاگرس و کوههای سر به فلک کشیده کردستان کاملاً رویایی می نمود. برنامه راس ساعت ۳ بعد از ظهر با مجری گری علیرضا اشکانی، شاعر جوان سردشتی آغاز شد. صدای گرم و اجرایی زیبای علیرضا در دل طبیعت بکر و عجیب با گل های زرد و قرمز سردشت، درآمیختگی شاعرانه ای را به شرکت کنندگان انتقال می داد.

پس از قرائت قرآن، حفیدی (از روحانیون و معتمدین شهر سردشت) نخستین سخنران برنامه بود. وی از اهمیت کتاب در زندگی و فرهنگ مردم منطقه و جایگاه کتابخوانی در فرهنگ اسلامی سخن گفت.

در ادامه زورار محمد نژاد دهیار جوان روستای قلعه رش با زبان کردی و به شیوایی و فصاحت از تلاش های صورت گرفته برای برپایی این کتابخانه صحبت کرد و سپاس صمیمانه مردم روستایشان را به بانیان این اقدام انسانی تقدیم نمود.

کامران جوهری، به نمایندگی از انجمن روناکی، بانیان اصلی این حرکت به نیابت از همکارانش در این نهاد مدنی به شرح دغدغه های خود و همکاران در خصوص چرایی و ضرورت راه اندازی چنین نهادهایی پرداخت و با بهره گیری از داستان های فولکلور منطقه، سعی در تشریح ملموس جایگاه دانش و مطالعه برای کودکان داشت. جوهری تاکید و درخواست کرد که مثال بارز این سخن باشیم که «به جای اینکه بنشینیم و به تاریکی لعنت بفرستیم، چراغی هرچند کوچک بیفروزیم»، انجمن روناکی آمده است تا چراغی کوچک بیفروزد و تلاشی است برای رقم زدن آینده ای روشن تر برای کودکان این دیار. (متن سخنان روناکی <http://www.roonaki.blogfa.com/post-14.aspx> در وبلاگ انجمن منتشر شده است). روناکی در روز افتتاحیه، پیرو هدایای پیشین، ۴۰ جلد کتاب به کتابخانه می مذکور هدیه داد.

مرضیه چاوشینی، دانش آموز کلاس چهارم دبستان روستای قلعه رش به نمایندگی از هم سن و سالانش در این روستای مرزی کردستان، بزرگترها را این چنین مورد خطاب قرار داد:

«به نام خدا. ای بزرگ ترهای مهربان! از اینکه با حضور سبزتان در روستای قلعه رش، بهار ما را سبزتر نمودید بی نهایت سپاسگزارم. من به خود می بالم که خداوند مرا توفیق داد تا به نمایندگی از طرف کودکان روستای قلعه رش چند لحظه ای در خدمت شما عزیزان باشم.

من برای شما پیام هایی دارم و از شما انتظار دارم آنها را نادیده نگیرید.

من کودکی هستم متولد و ساکن روستای قلعه رش. در قلب کوه از مادری رنج دیده، زحمتکش و با غیرت به دنیا آمده ام. همزمان با چشمه و درخت، پرنده و آواز، گل و گیاه، کوه و استقامت و عشق و محبت آشنا شده ام و از پدرم صلابت و صداقت آموخته ام. من آرزوهای زیاد و انگیزه های فراوانی دارم. به خود حق می دهم که مانند یک کودک زندگی کنم. من از اسباب بازی های گوناگون بی بهره ام. سه گاه، سونی و سایر بازی های رایانه ای را فقط با اسم شنیده ام. آن روز را هرگز از یاد نمی برم که یکی از هم سن و سالانم، قطعه سنگی در دست گرفته بود و به جای ماشین پلاستیکی با آن حان حان می کرد. بر روی تخته سنگ و یا تکه چوب سوار می شوم و در خیال خود آنها را به دوچرخه سواری تبدیل می کنم. اگرچه دشت و جنگل، کوه و چشمه سار، پرنده و حیوانات گاهی اوقات بهترین هم بازی من می شوند، اما آرزوی داشتن دوچرخه ذهنم را تنها نمی گذارد. چوب و سنگ را با پارچه های کهنه می بندم و با آنها بازی می کنم تا خود را راضی کنم که عروسک دارم. از آنجا که کودکم و شاداب، به ورزش علاقه مندم ولی امکانات آنرا ندارم. از داشتن یک زمین مناسب و رسمی برای فوتبال محروم هستم. از شهربازی و پارک کودک فقط در تلویزیون چیزهایی را دیده و شنیده ام.

مدرسه ی من از لحاظ امکانات آموزشی، آزمایشگاهی و تفریحی بسیار محدود است. حیاط آن باز بوده و در کلاس آسایش ندارم. به طوری که هنگام تدریس، رفت و آمد مردم در حیاط مدرسه نظم درس و کلاس را به هم می زند. مهد کودک روستای من هیچگونه اسباب بازی و امکانات تفریحی ندارد و از فضای مناسب و کلاس استاندارد بی بهره است. من در یک روستای مرزی و جنگ زده زندگی می کنم. اکثر زمین های آن آلوده به انواع مین و مواد منفجره می باشد؛ بنابراین، بی رحم ترین دشمن انسان، یعنی مین، در کمین من نشسته است و انتظار مرگم را می کشد و نیز وحشت از این دشمن پنهان، که مبادا خدای ناکرده والدینم را طعمه ی خود کند روزانه ذهن پاک و کودکانه ام را اذیت می کند. چه بسیارند کودکانی که به دلیل از دست دادن و یا مصدوم شدن سرپرست از تحصیل بازمانده اند! جنگ باعث فقر فرهنگی در روستای قلعه رش گردیده است.

ای بزرگ ترهای مهربان! به قدرت و مقام خود مغرور نشوید. ثروت را در راه آموزش علم به کودکان صرف کنید که من به شما قول می دهم ما کودکان علم را دوباره به ثروت تبدیل خواهیم کرد و کشوری آباد و آزاد خواهیم ساخت. آرزوهایمان را برآورده کنید و به ما اعتماد داشته باشید و بگذارید کودکانه زندگی کنیم که این حق طبیعی ماست.

در پایان من به نمایندگی از طرف روستای قلعه رش، افتتاح کتابخانه ی روستا را تبریک عرض می نمایم و به همه ی مهمانان گرامی خوش آمد می گویم و از همه کسانی که در این امر مهم زحمت کشیده اند تشکر و قدردانی می کنم».

مجری برنامه سپس به معرفی خانه کتابدار کودک و نوجوان در تهران پرداخت و پیام تبریک آنان به مناسبت بازگشایی این کتابخانه را قرائت و اعلام کرد که این نهاد تعداد ۲۰۰ جلد کتاب به این کتابخانه اهدا کرده اند.

خالد توکلی، فعال مدنی و دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه اصفهان با رویکردی جامعه شناختی به تشریح جایگاه کتابخانه روستایی پرداخت و سعی کرد به تحلیل اهمیت این عنصر در جامعه روستایی بپردازد.

اجرای زیبای استاد بیت و حیران «خضر قادری» که مردم منطقه او را با نام «خله درزی» می شناسند حال و هوای ویژه ای به برنامه بخشیده بود و تأکیدی دوباره بر این امر بود که کتابخانه های روستایی می توانند بانیان حفظ و پاسداری از ادبیات شفاهی منطقه باشند که صدها سال است سینه به سینه منتقل شده و حاوی بسیاری از مضامین فرهنگی، تاریخی و تاریخ اجتماعی منطقه هستند.

گروه سرود کودکان روستای قلعه رش با اجرای سرودی که به مناسبت افتتاح کتابخانه آماده کرده بودند از این اتفاق مهم فرهنگی به نوبه خود استقبال کردند. آنان هم صدا، با زبان شیرین کردی بیت هایی با این مضمون را تکرار می کردند: «امروز ۳۱ اردیبهشت است، کتابخانه تولدت مبارک».

فرزانه طاهری، کتابدار موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان به نقش کتابخانه های روستایی در توسعه فرهنگی و اقتصادی جامعه پرداخت و با بیانی هنرمندانه به توصیف جزئیات اتفاق فرهنگی پرداخت که در روستای قلعه رش رخ داده بود.

عبدالعزیز مولودی، عضو هیئت مدیره انجمن ایزرتو به تشریح ملاک های توسعه در جوامع کنونی پرداخته و از نقش کتاب و کتابخوانی در توسعه جامعه سخن گفت.

محمد قادری دهیار روستای بیوران که در صدد تاسیس کتابخانه ای در روستای بیوران است با ارائه مقاله ای به تاریخچه ساخت کتابخانه از گذشته های دور پرداخت. (انجمن روناکی جهت تاسیس کتابخانه ای در روستای مذکور با فعالین بیوران در ارتباط است)

حاج حسن واحدی، خیر مدرسه ساز و فعال مدنی که همیشه به عنوان بانی اصلی حرکت های فرهنگی و نهادهای مردمی شناخته شده است و کارهای بزرگی چون تامین بخش زیادی از هزینه ساخت دانشگاه سردشت، آب لوله کشی شهر ربط، سرپرستی ده ها تن از دانشجویان بی بضاعت و ... را در کارنامه خود دارد، این بار نیز چون همیشه، در ضرورت حمایت از چنین حرکت هایی سخن گفت و اعلام کرد که برای هر کتابخانه روستایی که تاسیس شود ۱۰۰ نسخه کتاب اهدا خواهد کرد و در یک سال نخست فعالیت آن کتابخانه، به ازای هر کودکی که در آن روستا به دنیا بیاید، به نام آن کودک ۱۰ جلد کتاب به آن کتابخانه اهدا خواهد کرد. وی همچنین از اهدای یک میلیون تومان کمک نقدی برای ساخت ساختمان کتابخانه روستای قلعه رش خبر داد. همچنین افزود جهت یآوری این حرکت در وهله اول مبلغ یک میلیون تومان به کل کتابخانه های روستایی که تاسیس خواهند شد اهدا خواهد نمود. در ضمن پیشنهادی جهت تخصیص صندوقی برای حمایت از مستمندان و دستگیری جوانان برای ازدواج، با مشارکت اهالی روستاها داد. او افزود چنانچه با این پیشنهاد موافقت گردد اهدای اولین هدیه را حتی برای کل روستاهای منطقه متقبل خواهد شد.

خانم سروری نماینده ی انجمن حامی (تهران) دیگر سخنران این برنامه بود. سروری که به اتفاق دو تن از همکارانش آقای حسین مقبلی و خانم عشرت قضاوت در این برنامه حضور یافته بود ضمن معرفی انجمن توسعه فضاهای آموزشی - فرهنگی (حامی) بر ضرورت ایجاد مدرسه و کتابخانه برای پرورش کودکان و نوجوانان تاکید کرد و دسترسی به کتاب و امکانات لازم را عنصری حیاتی در پرورش استعداد های آنان توصیف کرد. لازم به ذکر است انجمن حامی نیز با اهدای بیش از ۳۰۰ عنوان کتاب به این کتابخانه، از تداوم این حرکت پشتیبانی کرد.

اجرای موسیقی کردی با صدای مسعود رحیمی فرصتی برای استراحت میهمانان فراهم کرد تا در دل طبیعت بکر سردشت، روح خسته خود را به امواج موسیقی غنی کردی بسپارند.

پس از آن علیرضا اشکانی مجری توانای برنامه با خبر مسرت بخشی به پشت تریبون بازگشت. درخواست های مکرر وی برای تشویق نشان از اهمیت خبر می داد. مصطفی مولانی یکی از اهالی روستای قلعه رش با اهدای ۲۰۰ متر زمین برای ساخت کتابخانه، حمایت خود را از این حرکت فرهنگی اعلام کرد. حاج محمد فاطمیان از خیرین شهر سردشت با اهدای ۱۰۰ جلد کتاب به کتابخانه این روستا و اختصاص یک میلیون تومان کمک نقدی برای ساخت کتابخانه قلعه رش اهمیت این اقدام فرهنگی را به همگان متذکر شد.

کاوه حیاک مسئول اداره ارشاد شهر سردشت نیز طی یادداشتی به مجری برنامه اعلام کرد که ۲۰۰ جلد کتاب را از محل وزارت ارشاد به کتابخانه قلعه رش اهدا خواهد کرد.

پس از آن پیام زنان و دختران روستای قلعه رش که به زبان انگلیسی تنظیم شده بود توسط فرشته حسن زاده قرائت شد تا صدای محرومیت ها و رنج هایشان را به گوش جهانیان رسانیده باشند. فرشته در افتتاحیه کتابخانه روستایشان چنین گفت:

Before the end of my journey

May I reach within myself

The one which is the all

To float away with the drifting multitude

Upon the current of the chance and change.

In the name of God

Hello everybody, I say hello to all of the dears in this grand celebration. The promise, melody, the path of progress at this seconds and minutes that we gathered to open the window forward the humanity and learning.

At first we welcome all of the guest that they are take the trouble and come here from near and far place and make our meeting more graceful and perfect with they're cordial presence.

I hope day by day under the shade of God, travel the way of success and to shorten and settle upon the steps of development with a firm decision and always to serve as a witness and host the dears in our small and pleasant home that come on the occasion of this affirmative not just in this village rather in all the country of sardasht.

I'm such as representing the ladies of this village if the honorable leave me I have several request that I hope you will agree with them.

As you know we live in the age that called technology and improvement, if we try to get success such as all the societies not more but companion of other nations and get success, it will be possible with great facilities.

No an institute for ladies, that they will know they're ideas an interests and improve themselves and reach perception of theyreself that at which course or knowledge they have more talent, it is the real and great problem in the society such as here.

To restrict women in the community that the glance is a synopsis look in all of the course and women always have second role that is to cause the ability and strength that is an entity in most of them, that they can't dehiscence they're ability and suppress in the side of them.

The Consultation, Internet, English language, art, first aid and conjunction class is a positive step and capable regard for develop abilities that rich countries had reached many years ago, because Ghalarashe is one of the big village with large population. Separated classes for boys and girls in the grade of elementary, secondary school is the way for women to be more comfortable and to be more active in the class and certainly in near future, we have great people and clarifying the geniuses among people under shadow of education.

At the end I'm thanksgiving that you get me your great time with the hope of improvement for all the societies, especially patient and afflicted nations.

Thank you very much.

Fereshteh Hasanzadeh

جوتيار فروش كتابدار روستاي قلعه رش با ارائه گزارشي از عملکرد كتابخانه در جشن افتتاح آن مشاركت داشت.

مصطفي ايلخاني زاده، شاعر و نويسنده كرد زبان نيز در خصوص اهميت پرداختن به ادبيات كودك و نوجوان و ضرورت آشنائي كودكان با مقوله كتاب سخن گفت.

دكتور پرورش، عضو هيئت علمي دانشگاه تربيت مدرس و از اهالي روستاي قلعه رش آخرين سخنران اين برنامه بود. وي به نمايندگي از مردمان زادگاهش از شركت كندگان در اين برنامه قرداداني كرد و ابراز اميدواري كرد كه با حمايت ها و مشاركت هاي مردم، تداوم اين حركت را در ديگر مناطق اين سرزمين شاهد باشيم و اين مساله را جدي تر بگيريم. پايان بخش برنامه رقص زيباي كردي و افتتاح كتابخانه بود.

پنج شنبه، مورخه ۱۳۸۸/۲/۳۱ خورشيد در حالي سر بر بالين نهاد و به خواب رفت كه تمام آن روز را شاهد اتفاق فرهنگي مهمي بود. آن روز خورشيد نيز در شادي كودكان قلعه رش سهيم بود. هوا رو به تاريخي نهاد و ميهمانان از طبيعت و مردمان خونگرم روستاي قلعه رش خدا حافظي كردند و كودكان، دختران، زنان و فرزندان روستا با تبسمي بر لب سر بر بالين نهادند. آنان از فردي آن روز كتابخانه اي با بيش از ۳۰۰۰ عنوان كتاب داشتند. اتفاق كمّي نبود. آنان از فردي صبح مي توانستند در دل طبيعت بكر و زيبايشان، در کنار جويبار، آميخته با نسيم بهاري طبيعت كردستان، لاي بوته ها و گل هاي ياس و شبدرد، صدها كيلومتر دورتر از هياهو شهر و دود ماشين، آرام بنشينند و دستاوردهاي نويسندگان و بزرگان ادبيات و شاعران و پژوهشگران را مطالعه كنند و از آن بهره ببرند.